



واکاوی چرایی مخالفت ایران با نصب دوربین در مجتمع تسلا کرج

علت اصرار و فرافکنی کشورهای غربی و آژانس در خصوص سایت آسیب‌دیده تسلا کرج چه می‌تواند باشد و در سوی مقابل علت مخالفت ایران با تعویض کارتهای حافظه نظارتی آژانس در سایت مزبور از چه جهت است؟

چندی پیش عدم اجازه ایران به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت اقدام به سرویس تجهیزات نظارت آژانس در سایت ساخت قطعات سانتریفیوژ در تسلا کرج، موجب واکنش آژانس، ایالات‌متحده آمریکا و سه کشور تروئیکای اروپا گردید. آمریکا و سه کشور اروپایی مانند همیشه اقدام به سیاسی کردن مسائل فنی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمودند و با انتشار بیانیه‌هایی خواستار اجازه دسترسی فوری به تأسیسات کرج شدند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه‌ای اعلام کرد: رافائل گروسی مدیرکل آژانس تأکید می‌کند که تصمیم ایران مبنی بر عدم ایجاد دسترسی به کارگاه ساخت قطعات سانتریفیوژ تسلا کرج برخلاف شرایط توافق شده در بیانیه مشترکی است که روز ۱۲ سپتامبر (۲۱ شهریور) با محمد اسلامی مدیرکل سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس‌جمهور ایران حاصل شده که بر اساس آن ایران می‌بایست به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه سرویس تجهیزات نظارت آژانس را دهد.

درحالی‌که آژانس و کشورهای غربی مدعی هستند که ایران شروط توافق جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران را کاملاً اجرا نکرده است، ایران پاسخ داده است که طبق توافق و گفتگوهای پیشین، صرفاً اجازه داده‌شده تا کارت ذخیره دوربین‌ها در تمامی مکان‌های ضروری در ایران به‌جز کارگاه ساخت تجهیزات سانتریفیوژ در مجمع تسلا در کرج تعویض شود. نماینده ایران در آژانس در این خصوص در حساب توئیتر خود نوشت: در طول گفتگوها در تهران و اخیراً در وین نیز به‌روشنی تأکید شد از آنجاکه تحقیقات امنیتی و قضایی در مورد مجتمع تسلا کرج همچنان ادامه دارد، تجهیزات نظارتی این مجتمع در زمره تجهیزات تحت سرویس فنی قرار نمی‌گیرند.

در این میان سؤال اینجاست که علت این اصرار و فرافکنی کشورهای غربی و آژانس در خصوص سایت آسیب‌دیده تسلا کرج چه می‌تواند باشد و در سوی مقابل علت مخالفت ایران با تعویض کارتهای حافظه نظارتی آژانس در سایت مزبور از چه جهت است؟

برای پاسخ به این سؤال به نظر می‌بایست که به نقش بازرسان آژانس که به اذعان مقامات آمریکایی به‌عنوان ابزارهای اطلاعاتی ایالات‌متحده عمل می‌نمایند، اشاره داشت. چنانچه در سال ۱۳۹۱ جی کارنی سخنگوی وقت کاخ سفید نیز به این واقعیت اشاره نمود که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چشم‌های ما هستند. تا جایی که واشنگتن با استفاده از همین بازرسان آژانس به اطلاعات ذی‌قیمتی از وضعیت نظامی عراق پیش از حمله به این کشور دست‌یافته بود. بازرسانی

که عملکردشان همواره حکایت از بحران سازی در موضوع هسته‌ای ج.ا. ایران بوده است و نتیجه بازرسی‌هایشان نیز عمدتاً از مراکز اطلاعاتی غرب و رژیم صهیونیستی سر درمی‌آورد و در این میان یکی از مصادیق آشکار افشای اطلاعاتشان نیز ترور دانشمندان هسته‌ای ج.ا. ایران بوده است.

واقعیت اینجاست که دسترسی منابع خبری و رسانه‌ای غرب به این اطلاعات حساس صنعت هسته‌ای ایران یعنی اطلاعاتی که ایران در اجرای تعهدات پادمانی یا ایفای همکاری‌های داوطلبانه ناشی از توافقات دوجانبه در اختیار آژانس و بازرسان قرار داده است، شاهدی آشکار بر درز اطلاعات محرمانه هسته‌ای ایران از ساختارهای مرتبط با پادمان در آژانس است. افشای اطلاعات سری به‌ویژه اطلاعات راجع به تأسیسات هسته‌ای، که این اطلاعات همواره به نشانه شفاف‌سازی و اعتمادسازی از سوی ایران در اختیار بازرسان آژانس قرار می‌گرفته است، اما کارگزاران آژانس این اطلاعات محرمانه را به اشخاص و کشورهای ثالث و رسانه‌های خبری منتقل کرده‌اند، اقدامی که همواره مایه نگرانی و اعتراضات ایران بوده است.

لذا این قبیل رفتارهای بازرسان آژانس و نقض تعهدات محرمانگی از سوی این نهاد و خروج اطلاعات محرمانه ایران به‌مثابه یک چالش اساسی در مسیر همکاری ایران با آژانس، سنگ‌اندازی می‌کند. چراکه خروج اطلاعات طبقه‌بندی شده و حساس ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند به‌صورت جدی، حقوق و منافع اساسی ایران از جمله امنیت ملی و امنیت هسته‌ای ایران را به خطر اندازد.

از طرف دیگر، مطابق اساسنامه آژانس و توافق دوطرفه این نهاد بین‌المللی با ایران، گزارش‌های پادمانی و همچنین مکاتبات ایران و آژانس، مسئولیت اساسی حفاظت از اطلاعات محرمانه هسته‌ای ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در ماده ۷ اساسنامه آژانس، ماده ۵ موافقت‌نامه پادمان ایران با آژانس و ماده ۱۵ پروتکل الحاقی تأکید شده است که اسرار تجاری و صنعتی و سایر اطلاعات محرمانه‌ای که به اطلاع آژانس می‌رسند، باید در برابر افشای اطلاعات محافظت شوند. به‌موجب ماده ۵ موافقت‌نامه دوجانبه پادمان‌ها منعقد شده بین ایران و آژانس (۱۹۷۳) آژانس باید همه تدابیر احتیاطی برای حفاظت از اسرار تجاری و صنعتی و دیگر اطلاعات محرمانه‌ای را که در اجرای موافقت‌نامه پادمان‌ها به آگاهی‌اش می‌رسد اتخاذ کند، باوجود این تعهدات رفتارهای آژانس با ایران این نتیجه را برای ایران داشته است که این نهاد رفتاری خلاف عرف و تعهدات حقوقی و سیاسی خود با ایران داشته و به روال حقوقی دیپلماتیک و از جمله حفظ تعهدات محرمانگی پایبند نیست.

از سوی دیگر، از آنجاکه رژیم صهیونیستی، همواره مسیر اقدامات خرابکارانه علیه تأسیسات حساس ایران را دنبال می‌کند و ایالات متحده و غرب نیز دست این رژیم را برای انجام اقدامات خرابکارانه در ایران به‌ویژه در تأسیسات هسته‌ای باز گذاشته است تا بدین شکل بتواند به تقویت موقعیت طرف غربی در مذاکرات هسته‌ای پیش رو کمک نماید، لذا از منظر ایران این احتمال وجود داشت که بازرسان آژانس با استفاده از همان موقعیت نظارتی خود، ذیل مأموریت تعمیر و رسیدگی به دستگاه‌های نظارتی آژانس در مرکز تسای کرج، برآوردی دقیق و میدانی از میزان تخریب حملات تروریستی

و خرابکارانه هسته‌ای عاملان رژیم صهیونیستی در مرکز هسته‌ای مزبور بدست آورند تا بتوانند گزارش میزان آسیب‌های این مرکز را به تل‌آویو بدهند. بر اساس این فرضیه احتمالی، کشورهای غربی می‌خواهند به‌وسیله اطلاعات به‌دست‌آمده از سایت کرج، ارزیابی دقیقی از توان بازسازی ایران برای این سطح از تخریب‌ها در مرکزی مانند کرج را بسنجند و بدانند که ایران در چه مرحله‌ای از ترمیم و بازسازی این مرکز قرار دارد.

لذا به نظر می‌رسد که برحسب همین نگرانی‌های محتمل بوده است که ایران اجازه به ورود بازرسان آژانس برای تعمیر و نگهداری جایگزینی کارت‌های حافظه مخصوص تجهیزات نظارتی آژانس در سایت ساخت قطعات سانتریفیوژ در کرج که در ماه ژوئیه سال جاری هدف حملات پهن‌پایه قرار گرفت و در جریان این عملیات خرابکارانه غیرمعمول یکی از دوربین‌های نظارتی آژانس در این سایت از بین رفته و یک دوربین دیگر نیز به‌شدت صدمه‌دیده بود، نداده است، اقدامی که به نظر می‌رسد اقدامی لازم و البته حداقلی در برابر زیاده‌خواهی‌های مشکوک آژانس و کشورهای غربی باشد.

درواقع ایران می‌بایست که بعد از دو حمله خرابکارانه رژیم صهیونیستی در کمتر از یک سال به تأسیسات مونتاژ سانتریفیوژهای، احتیاط بیشتری نسبت به مکان‌های با حساسیت بالای خود داشته باشد. لذا این اقدام ایران از یک طرف به‌طرف مقابل نشان داد که به‌مانند سابق حق ندارد، تقاضای نظارت از سایت‌هایی ایران خارج از یک توافق را داشته باشد و در این میان اگر ایران، اجازه و تعمیر و نگهداری تجهیزات نظارتی و جایگزینی کارت‌های حافظه مخصوص در تعدادی از سایت‌های هسته‌ای خود را به آژانس، آن‌هم در یک تفاهم سیاسی ذیل مذاکرات وین صادر نموده است، به این معنی نیست که آژانس حق و حقوقی همیشگی در این زمینه دارد و می‌تواند برای خود اختیارات حقوقی خاصی در خصوص نظارت بر سایت‌های هسته‌ای ایران داشته باشد.